

مطالعات حقوق تطبیقی
دوره ۶، شماره ۱،
بهار و تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۳۰۱ تا ۳۲۳

مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی در حقوق تجارت بین الملل

همایون مافی *

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

احمدعلی محسن زاده

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۱)

چکیده

اعتبارات اسنادی به عنوان روش تسهیل پرداخت‌های بین‌المللی، تضمین و تعهد مشروط پرداخت بانک خریدار (بانک گشاینده اعتبار) به فروشنده (متقاضی اعتبار) است. از این حیث، اعتبارات اسنادی را می‌توان متداول‌ترین شیوه پرداخت قیمت کالاها در تجارت بین‌الملل تلقی کرد. شکل سنتی اعتبارات اسنادی، تجاری است که تعهد مالی ناشی از آن ریشه در اسنادی دارد که بیان‌کننده انجام معامله به وسیله ذی‌نفع است و به عنوان مکانیسم پرداخت و تأمین مالی معاملات بین‌المللی کالا به کار می‌رود. برخلاف اعتبار اسنادی تجاری که یک سند پرداخت است، اعتبار اسنادی تضمینی برای حمایت از ذی‌نفع در صورت قصور دستوردهنده از انجام تعهد یا پرداخت، در نظر گرفته شده است. اعتبارنامه اسنادی تضمینی معادل ضمانت‌نامه بانکی بوده، بابت تضمین انجام کار و تعهد به شکل اعتبارات اسنادی صادر می‌شود. این مقاله با مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی به بررسی اشتراک‌ها و افتراق‌های این دو سند می‌پردازد و مهم‌ترین جنبه‌های حقوقی آن دو را با یکدیگر مطابقت می‌دهد تا به این پرسش پاسخ دهد که طرفین از هریک از دو ابزار به کار رفته در تجارت بین‌الملل چه موقع و به چه شکلی بهره‌برداری می‌کنند.

واژگان کلیدی

اعتبار اسنادی تجاری، اعتبار اسنادی تضمینی، مقایسه.

hmynmafi@yahoo.com
ahmad.mohsenzadeh@gmail.com

* نویسنده مسئول فاکس ۰۱۱-۳۵۳۴۲۱۰۲

مقدمه

امروزه تجارت افزون بر حوزه‌های سرزمینی در اشکال نوین و به موازات حجم فعالیت‌های تجاری اقتصادی، شکل بین‌المللی به خود گرفته است؛ به طوری که تجارت بین‌الملل به‌عنوان یک واقعیت موجود و بخشی از مقتضیات زندگی بشر در جهان کنونی، بروز و ظهور دارد. دامنه شمول، گستردگی و آثار و تبعات موضوع اعتبارات اسنادی بر تجارت بین‌الملل از یک سو و نیز پیشرفت‌های سریع و شگفت‌انگیز ارتباطات تجاری و تنوع و تکثر موضوعات تجارت بین‌الملل به موازات ظهور قراردادهای تجاری با قالب‌های نو و غیرمعین از سوی دیگر، پرداختن به موضوع اعتبارات اسنادی را به‌عنوان ضرورتی آشکار و غیرقابل انکار مطرح کرده است؛ به طوری که می‌توان گفت «اعتبارات اسنادی آن‌چنان با تجارت بین‌الملل آمیخته‌اند که از آن‌ها به‌عنوان ماده اصلی و یا مایه تجارت خارجی نام برده شده است» (اشمیتوف، ۱۳۶۹، ص ۳۲۸).

قانون اعتبارات اسنادی اساساً در قرن نوزدهم و در بریتانیا توسعه یافت و از جنگ جهانی اول به تدریج در محاکم آمریکا و دیگر محاکم ملی و نظام‌های قضایی جهان گسترش پیدا کرد (خیمنز، ۱۳۷۹، ص ۲۱۱).

اعتبارات اسنادی از آن‌رو که تأمین و تضمین‌کننده منافع همه اطراف ذی‌مدخل در معامله است و ریسک پرداخت‌هایی را که با جابه‌جایی کالاها صورت می‌گیرد تا حدود زیادی کاهش می‌دهد، رایج‌ترین شیوه پرداخت در عرصه تجارت بین‌المللی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، هنگامی که خریدار و فروشنده در دو کشور مختلف اقامت دارند و امکان تسلیم مبیع و پرداخت ثمن با دشواری روبه‌روست، از اعتبار اسنادی به‌عنوان روشی مناسب برای پرداخت در قراردادهای بین‌المللی بیع کالا و خدمات استفاده می‌شود (کاشانی، ۱۳۷۷، ص ۲۲). در اعتبار اسنادی، حدود مسئولیت و تکالیف بانک‌ها در آخرین نسخه مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی اتاق بازرگانی بین‌المللی یو.سی.پی ۶۰۰ که ششمین و آخرین بازنگری در مقررات مذکور است، تعیین شده است. این مقررات که از جولای ۲۰۰۷ قابلیت اجرایی یافته، حاکم بر اعتبارات اسنادی تجاری است. طبق ماده یک یو.سی.پی ۶۰۰ مقررات متحدالشکل اسنادی در خصوص هر اعتبار اسنادی از جمله اعتبار اسنادی تضمینی تا حدی که قابل اعمال باشد، لازم‌الاجرا خواهد بود. هدف اعتبار اسنادی تجاری انتقال وجه و تبادل اسناد میان خریدار و فروشنده است. در اعتبارات اسنادی تضمینی دو نوع مقررات حاکم است؛ اول، آی.اس.پی ۹۸ (International Standby Practices) که اتاق بازرگانی بین‌المللی آن را تدوین کرده است؛ دوم، کنوانسیون

آنسیترال درباره ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارنامه‌های تضمینی که کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق تجارت بین‌الملل با توجه به مقررات یو.سی.پی و قواعد متحدالشکل ضمانت‌نامه‌های عندالمطالبه (۱۹۹۲م) مدون کرده که از اول ژانویه ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شده است. مجموعه مقررات بین‌المللی اعتبار اسنادی تضمینی (آی.اس.پی ۹۸) که متضمن مقررات و رویه فراگیر بین‌المللی در خصوص اعتبارات اسنادی ضمانتی است، از اول ژانویه ۱۹۹۹ اجرایی شده است. این قواعد مختص اعتبارات اسنادی تضمینی است. این اعتبارنامه‌ها با وجود اشتراک‌هایی که با اعتبارات اسنادی تجاری دارند، از لحاظ هدف کاملاً با آن‌ها متفاوت‌اند. اعتبارات اسنادی تضمینی برعکس اعتبارات اسنادی تجاری که عامل انتقال وجه هستند، به‌عنوان مکانیسم جبران خسارت ذی‌نفع در صورت اجرا نشدن معامله پایه یا اجرای ناقص آن به‌کار می‌رود. برابر ماده یک مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (یو.سی.پی ۶۰۰)، اعتبارنامه‌های اسنادی تضمینی در صورتی در شمول این مقررات قرار می‌گیرند که طرفین آن را در اعتبار تصریح نموده باشند.

تصویب مقررات یکسان و متحدالشکل حاکم بر اعتبارات اسنادی از طرف اتاق بازرگانی بین‌المللی با هدف تسهیل و یکنواختی عملیات اعتبارات اسنادی و کاهش بلا تکلیفی ناشی از اعمال مقررات داخلی کشورها صورت گرفته است. تدوین و تنظیم این مقررات به مرحله‌ای از پذیرش رسیده است که بانک‌های جهانی و از جمله بانک‌های ایرانی آن را پذیرفته‌اند؛ به‌طوری که شورای پول و اعتبار به استناد بند ۶ ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور دستورالعمل اعتبار اسنادی داخلی ریالی را در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۷ و با هدف آسان کردن مبادلات تجاری داخلی و رویکرد صیانت از حقوق و منافع سپرده‌گذاران بانکی به تصویب رساند.

این مقاله در پی آن است تا با مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، اشتراک‌ها و افتراق‌های این دو سند را تبیین و تحلیل کند و در ضمن به این پرسش‌ها پاسخ دهد که آیا بر مبنای وصف استقلال اعتبارات اسنادی، این اعتبارات از قرارداد پایه مستقل‌اند. آیا ارتکاب تقلب با اصل استقلال اعتبار به عنوان اصل اساسی حقوق اعتبارات اسنادی در تعارض است. آیا بانک‌ها تکلیف دارند اسنادی را که با شرایط درج‌شده در اعتبارات اسنادی منطبق نیستند، ترتیب اثر بدهند. به‌این ترتیب، در قسمت اول پس از تعریف اعتبارات اسنادی و اقسام آن‌ها، کاربرد اعتبارات اسنادی تجاری و مراحل معامله آن بررسی می‌شود. سپس دو اصل بنیادین حاکم بر اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی،

یعنی اصل استقلال اعتبارات اسنادی از قرارداد اصلی و اصل رعایت دقیق مفاد اسناد با شرایط اعتبارات اسنادی، مطالعه خواهد شد. پس از آن، به تعریف اعتبارات اسنادی تضمینی و کاربرد و مراحل معامله آن، و در بخش پایانی به تشابه‌ها و تفاوت‌های اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی خواهیم پرداخت.

تعریف اعتبارات اسنادی

اعتبار اسنادی ابزاری است که ضمن تضمین پرداخت وجه به ذی‌نفع، تمهیدات لازم برای پرداخت وجه قراردادهای تجاری را فراهم می‌آورد. از اعتبارات اسنادی تعاریف متعددی شده است؛ برای مثال گفته شده: «اعتبارات اسنادی نوعی روش پرداخت (به‌ویژه با استفاده از سندی با عنوان برات) است در داد و ستدهای میان کشورهای مختلف، به‌نحوی که فروشنده از وصول وجه و خریدار از دریافت کالا اطمینان یابد» (لنگریچ، ۱۳۹۰، ص ۳۱-۳۲). تعریف دیگری از اعتبار اسنادی بیان می‌دارد که «اعتباری است که از سوی یک بانک صادر می‌شود و به موجب آن بانک در ازای ارائه اسناد لازم از سوی ذی‌نفع اعتبار، در یک زمان مشخص موظف به پرداخت است» (Zhang, 2011, No 1, p. 1).

ماده ۵ قانون متحدالشکل تجارت امریکا (Uniform Commercial Code) اعتبار اسنادی را به شرح زیر تعریف می‌کند: تعهدی قاطع از سوی گشاینده اعتبار در مقابل ذی‌نفع اعتبار به درخواست یا حساب متقاضی یا در خصوص یک مؤسسه مالی و اعتباری راساً یا به حساب خود مؤسسه، مبنی بر پرداخت وجه یا تسلیم یک شیء دارای ارزش در برابر اسنادی که ارائه می‌گردد (یانگ و بوکلی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۸).

ماده ۲ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی یو.سی.پی ۶۰۰، تعریف زیر را از اعتبار اسنادی به‌دست می‌دهد: هرگونه ترتیباتی به هر نام یا توصیفی که برگشت‌ناپذیر بوده، در نتیجه دربرگیرنده تعهد قطعی بانک گشایش‌کننده نسبت به پذیرش پرداخت در قبال ارائه مطابق باشد. در این خصوص که ماهیت اعتبار اسنادی در چارچوب قراردادها قابل تحلیل است یا در قالب تعهدات میان حقوق‌دانان اختلاف نظر دیده می‌شود، برخی آن را در قالب قراردادها تحلیل نموده، قراردادی می‌دانند (Appanna, 2008, p. 32؛ رفیعی، ۱۳۸۷، ص ۹۲). بعضی دیگر اعتبار اسنادی را صرفاً نوعی شیوه پرداخت در تجارت بین‌الملل می‌دانند و مبنای قراردادی برای آن قائل نیستند (بوالحسنی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۵). باوجوداین، ماده ۴ یو.سی.پی ۶۰۰ با فارغ بودن از قید ماهیت قراردادی و یا ترتیب پرداخت، تلاش نموده است تا اعتبارات اسنادی را بنا به ماهیت خود معامله‌ای مستقل از

قرارداد فروش یا سایر قراردادهایی که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند و ارتباط میان طرفین معامله را تنظیم می‌کنند، معرفی نماید. اعتبارات اسنادی به‌موجب مقررات متحدالشکل (یو.سی.پی ۶۰۰) برگشت‌ناپذیر قلمداد می‌شوند تا وسیله پرداخت، تضمین معامله کالا و انجام خدمات باشند. این موضوع در راستای مسئولیت‌پذیر نمودن بیشتر بانک‌ها صورت گرفته است (بانک سپه، ۱۳۸۹، ص ۱۷؛ خادمان، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

حال با توجه به تعاریف یادشده، می‌توان گفت اعم از اینکه اعتبار اسنادی «التزام» تعریف شود یا «تعهد»، به هر صورت باید اعتبار اسنادی را با توجه به کارکرد و نقشی که ایفا می‌کند، همچون وسیله‌ای تعریف نماییم که بنابه درخواست متقاضی از سوی گشاینده اعتبار به سود ذی‌نفع افتتاح می‌شود و بر اساس آن گشاینده اعتبار تعهد می‌کند وجه برات یا مبلغ موضوع مطالبه را تأدیه کند؛ مشروط بر اینکه شروط مقرر در اعتبار محرز گردد (یانگ و بوکلی، پیشین، ص ۳۰۹).

اقسام اعتبارات اسنادی

اعتبارات اسنادی انواع متفاوتی دارد، اما آنچه که در این مقاله محل بحث می‌باشد، تقسیم‌بندی اعتبارات اسنادی بر حسب کاربرد و کارکرد آنهاست که به دو نوع اصلی تقسیم می‌شوند؛ اعتبارات اسنادی تجاری و اعتبارات اسنادی تضمینی.

۱. اعتبارات اسنادی تجاری

این دسته از اعتبارات اسنادی که به اسناد تجاری معروف‌اند، در حقیقت از اولین اسناد از این نوع شمرده می‌شوند که در میان تاجران رایج شده است و می‌توان گفت شکل ارتقایافته روش‌های سنتی و قدیمی اعتبارات اسنادی است که به‌عنوان یک شیوه پرداخت در بیع بین‌المللی کالا ایفای نقش می‌نماید. در معاملات بین‌المللی، پرداخت‌ها به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود، اما شیوه‌ای که امروزه در عرصه معاملات بین‌المللی غلبه دارد، اعتبار اسنادی است که به «ال سی» نیز معروف است. در این شیوه، بانک‌ها با دخالت خود و با تضمین منافع و مصالح منطبق با قرارداد فروشنده و خریدار، دغدغه‌ها و نگرانی‌های آن‌ها را رفع می‌کنند، به‌طوری که هریک از طرفین قرارداد با خیالی آسوده به انجام تعهدات خود می‌پردازند؛ یعنی هم فروشنده مطمئن است در صورت تولید یا بسته‌بندی کالا و تسلیم آن به متصدی حمل و نقل، با ارائه اسناد، مبلغ اعتبار را دریافت خواهد کرد و هم خریدار خاطرش آسوده است که تا فروشنده کالای مطابق با فاکتور فروش را ارسال نکند، نخواهد توانست مبلغ اعتبار را دریافت نماید.

۲. اعتبارات اسنادی تضمینی

این نوع اعتبارات که زادگاه آن ایالات متحده امریکاست، شکل دیگری از اعتبارات اسنادی است که به دلیل ممنوعیت بانک‌های امریکایی از صدور ضمانت‌نامه، رواج یافته‌اند و جایگزین ضمانت‌نامه‌های بانکی شده‌اند (زمانی فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۹۰-۸۹). در شرایطی که اعتبارات اسنادی تجاری وسیله پرداخت و انجام تعهد شمرده می‌شوند و بانک‌ها موظف‌اند پس از ارائه اسناد از سوی ذی‌نفع و بررسی آن‌ها مبلغ اعتبار را بپردازند، اعتبار اسنادی تضمینی وقتی به کار می‌آید که تعهد انجام نمی‌شود و مطالبه آن اساساً مستلزم ارائه اسناد نیست (غمامی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶). اعتبار اسنادی تضمینی دارای یک ویژگی مهم است که آن را از انواع دیگر اعتبارات متمایز می‌کند و آن اینکه «وجه اعتبار در صورت نقض قرارداد قابل مطالبه است و به همین دلیل به آن اعتبار اسنادی انتظاری نیز اطلاق می‌شود» (شیروی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷). اعتبار اسناد تضمینی دارای کارکردی متفاوت است؛ به این معنا که وجه اعتبار اسناد تجاری زمانی پرداخت می‌شود که تعهدات انجام یافته باشد، و اسناد حمل و تحویل کالا ارائه گردد، در حالی که وجه اعتبار اسناد تضمینی زمانی به ذی‌نفع پرداخت خواهد شد که متقاضی اعتبار از انجام تعهدات خودداری کرده یا به هر دلیل آن را انجام نداده است (Scheller, op.cit, p 15).

کاربرد اعتبارات اسنادی تجاری

با درخواست خریدار برای گشایش اعتبار، بانک به صورت کتبی متعهد می‌شود که در برابر اسناد تعیین شده و برابر دستور خریدار وجوه مشخصی را در مدت زمان اعلامی به فروشنده بپردازد. شکی نیست که در هر معامله، به خصوص معاملات بین‌المللی، خریدار و فروشنده نگرانی‌هایی دارند که ناشی از انجام نشدن تعهدات از سوی طرف مقابل است و در نتیجه موجبات ضرر و زیان طرف دیگر را فراهم می‌آورد. فروشنده همواره نگران است آیا خریداری که ندیده است یا در نقطه دیگری از دنیا فعالیت می‌کند، دارای ملات کفایت کافی و اعتبار لازم هست. اگر کالا به مقصد برسد، ولی خریدار از پرداخت ثمن به هر دلیل خودداری نماید، تکلیف چیست. در این صورت اگر مجبور به اقامه دعوا علیه خریدار شود، هزینه دادرسی ناشی از این دعوا را چگونه باید تهیه کند و بپردازد. اساساً مشکل تسلط نداشتن بر قوانین و مقررات کشور خریدار را چگونه باید حل کرد.

از طرفی همین دغدغه‌ها برای خریدار نیز مطرح است، آنجا که خریدار قبل از تحویل گرفتن کالای خریداری شده، تمام یا قسمتی از قیمت کالا را بپردازد، ولی فروشنده از

توانمندی مالی کافی برخوردار نبوده، کالای منطبق بر قرارداد به لحاظ خصوصیات و مقدار مندرج در آن را به خریدار تحویل ندهد، در چنین حالتی به دلیل بحران مالی فروشنده، خریدار نه می‌تواند ثمن پرداختی را بازگرداند و نه کالای توافق شده را تحویل بگیرد. برای رفع دغدغه‌های یادشده، باید به دنبال یک روش و شیوه اطمینان‌بخش بود تا به این وسیله هم دغدغه‌های طرفین قرارداد تجاری بین‌المللی از بین برود و هم از این طریق اشخاص بیشتری به خصوص آن‌ها که توان ریسک‌پذیری کمتری دارند، بتوانند وارد این عرصه شوند. در چنین شرایطی است که اعتبارات اسناد تجاری کاربرد خود را آشکار می‌کند؛ چراکه اعتبارنامه عبارت است از «تعهد یک بانک یا هر شخص دیگر بنا به تقاضای دستوردهنده، مبنی بر اینکه به عنوان صادرکننده، بروات یا سایر مطالبه‌های (ذی‌نفع) را به شرط تطبیق آن‌ها با شرایط مقرر در اعتبار، پرداخت نماید» (دریس کول، ۱۳۶۰، ص ۱۱۹).

در اینجا باید گفت که «وجه مشترک انواع مختلف اعتبارات اسنادی این است که خریدار از طریق بانکی که در کشور فروشنده مستقر است، ترتیب پرداخت ثمن معامله را در قبال ارائه اسناد حمل کالا می‌دهد، البته از جمله این اسناد بارنامه دریایی، گواهی بیمه و یا گواهی مبدأ هستند» (اشمیتوف، ۱۳۶۹، ص ۳۲۸).

مراحل معامله اعتبارات اسنادی تجاری

با دقت در مراحل مختلف معامله اعتبارات اسنادی تجاری مشخص می‌شود که این مراحل برگرفته از معاملات متعدد در عرصه اعتبارات اسنادی می‌باشد. به این معنا که مراحل معامله و اطراف درگیر در آن بر اساس معاملاتی است که از آغاز دخالت اعتبارات اسنادی تا پایان آن واقع می‌شوند. بنابراین، مراحل اقدام بر مبنای اعتبارات اسنادی شامل چهار مرحله است:

۱. در قرارداد فروش که یک قرارداد مبنایی است و آن را می‌توان معامل اصلی نیز نامید، فروشنده یا همان صادرکننده یا به عبارتی ذی‌نفع اعتبار با خریدار یا همان متقاضی اعتبار توافق می‌کند که پرداخت بر مبنای اعتبار اسنادی صورت گیرد.
۲. متقاضی اعتبار یا خریدار که به‌طور طبیعی در کشوری غیر از کشور محل اقامت فروشنده اقامت دارد، از بانکی در محل تجارت خود (که به آن بانک گشاینده اعتبار می‌گویند) می‌خواهد تا برای صادرکننده یا فروشنده (ذی‌نفع) اعتباری را برابر شرایط اعلامی خریدار به هنگام درخواست از بانک گشاینده اعتبار، گشایش نماید.

۳. در مرحله سوم، بانک دیگری که بانک ابلاغ کننده باشد، در این چرخه وارد می شود؛ به این صورت که بانک گشاینده اعتبار در محل خریدار، از بانکی در محل تجارت فروشنده یا همان ذی نفع که بانک ابلاغ کننده نامیده می شود، می خواهد که با تحویل گرفتن اسناد حمل از فروشنده، برات وی را قبول، منتقل یا پرداخت نماید.

۴. در نهایت بانک ابلاغ کننده برابر دستور بانک گشاینده اعتبار به ذی نفع اطلاع می دهد که برای انتقال، قبول و یا پرداخت برات پس از تحویل گرفتن اسناد حمل، آمادگی دارد. گفتنی است که بانک ابلاغ کننده اعتبار ممکن است صرفاً ابلاغ کننده باشد و هیچ گونه تعهدی را نپذیرد؛ یعنی تعهد خود را به تعهد بانک گشاینده اعتبار منضم نکند یا اینکه اعتبار گشایش یافته از سوی بانک گشاینده اعتبار را تأیید نماید. باید دانست که «بانک فقط هنگامی وجه اعتبار را به فروشنده می پردازد که او برات و اسناد حمل کالا را همراه با هر نوع اسناد دیگری که بنا به تعیین خریدار نشان دهنده انجام تعهد فروشنده باشد به بانک تسلیم نماید. بانک نیز مطابق قرارداد فیما بین، جهت استرداد وجوه پرداختی به ذینفع اعتبار، به خریدار مراجعه می نماید» (دریس کول، پیشین، ص ۱۲۵).

از آنچه که در تحلیل مراحل چهارگانه پیش گفته بیان شد، دو نکته آشکار می گردد: اولاً، مرحله یک و چهار اهمیت خاصی برای صادرکننده دارند؛ «یعنی توافق در قرارداد فروش وی با خریدار خارجی درباره مناسب ترین نوع اعتبار، و اطلاع دادن مرتبط با آن از سوی بانک ابلاغ کننده. ثانیاً، مشروط بر اینکه اسناد صحیحی ارائه شوند و این ارائه قبل از انقضای اعتبار صورت بگیرد برای بانک گشاینده اعتبار، اگر اعتبار غیرقابل برگشت باشد و همچنین برای بانک تأییدکننده، اگر اعتبار تأیید شده باشد، تعهدی الزام آور در مقابل ذی نفع نسبت به پرداخت قیمت خرید، موجود خواهد بود. این تعهدات، ماهیت قراردادی دارد. بانکی که چنین تعهدی را پذیرفته است از پذیرش دستورات خریدار برای عدم پرداخت به فروشنده ای که شرایط اعتبار را رعایت کرده امتناع خواهد کرد و لغو کردن اعتبار را نخواهد پذیرفت» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۶).

اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی

در اعتبارات اسنادی دو اصل اساسی و بنیادی وجود دارد؛ یکی اصل استقلال اعتبار اسنادی، که در حقیقت وصف تجریدی اعتبار اسنادی از قرارداد مبنایی یا همان قرارداد

فروش است و دیگری اصل رعایت دقیق مفاد اسناد با شرایط اعتبار اسنادی^۱ است که به شرح زیر به بیان هر یک از این دو می‌پردازیم.

۱. وصف تجریدی (استقلال) اعتبار اسنادی از قرارداد فروش

در آغاز باید به این پرسش پاسخ گفت که آیا بر مبنای وصف تجریدی اعتبار اسنادی، این اعتبار از قرارداد پایه منفک و مستقل است یا خیر. در قلمرو حقوق مدنی، اسناد اعم از رسمی و عادی دلیل شمرده شده، از وقوع یک تعهد یا امر حقوقی حکایت می‌کنند. از این رو، اگر به دلیلی بطلان تعهد یا امر حقوقی اثبات شود، سند ناشی از آن تعهد یا امر حقوقی هم بی اعتبار خواهد شد؛ در نتیجه در قلمرو حقوق مدنی، اسناد طریقت دارند. در قلمرو حقوق تجارت وضع در خصوص اعتبارات اسنادی به گونه‌ای دیگر است، یعنی تعهد پرداخت ناشی از سند اعتباری، جدا از وجود، ارزش و اعتبار امر یا رابطه حقوقی است که علت و سبب وقوع آن را تشکیل می‌دهد. اعتبارات اسنادی اسناد قابل معامله و متضمن حقوق و تعهدات براتی هستند. صدور این گونه اسناد حاکی از قصد نتیجه برای پرداخت دارد. به بیان دیگر، اعتبار اسنادی خود یک هدف شمرده می‌شود و نه وسیله، و جنبه موضوعیت دارد و نه طریقت (اخلاقی، ۱۳۷۰، ص ۸۱-۸۰). استقلال اعتبار اسنادی به عنوان یک سند تجاری از قرارداد فروش (قرارداد اصلی)، یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. به موجب این اصل، اعتبار اسنادی از قرارداد مبنایی منفک و مستقل است (Zhang, 2011, p. 19). اصولاً فلسفه به کارگیری اعتبار اسنادی، برای پرداخت وجهی است که متکی بر رابطه حقوقی میان دو طرف یک معامله باشد. برای مثال، در یک قرارداد بین فروشنده و خریدار، وقتی خریدار متعهد می‌شود که یک فقره

۱. اصل استقلال اعتبار اسنادی و نظریه رعایت دقیق مفاد اسناد در خصوص اسناد الکترونیکی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. شایان ذکر است که یو.سی.پی الکترونیک به وسیله کمیسیون بانکداری اتاق بازرگانی بین‌المللی در نشست ۷ نوامبر ۲۰۰۱ در فرانکفورت آلمان رای‌گیری و تصویب شد و از اول آوریل ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید. طرفینی که مایل به استفاده از یو.سی.پی الکترونیک هستند، باید به صراحت آن را در اعتبار شرط کنند. «کلیده مواد یو.سی.پی الکترونیک با یو.سی.پی هماهنگ و منطبق است به جز آن دسته از مواد که به طور خاص به ارائه الکترونیکی اسناد ارتباط می‌یابد». ر.ک. اعتمادی، مهدی و تازیکی نژاد، علی، بررسی روابط حقوقی طرفهای اعتبار اسنادی الکترونیک، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۲، ۱۳۸۶، ص ۵۳-۵۱ و یانگ، گائو ایکس و بوکلی، روس پی، ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی: منشأ اعتبارات اسنادی و منابع آن، ترجمه ماشاءالله بناء نیاسری، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۵، ص ۳۳۱-۳۳۰.

اعتبار به نفع فروشنده در بانکی در محل تجارت وی گشایش نماید، در این حالت، ممکن است شرایط متعددی در قرارداد مبنایی میان طرفین وجود داشته باشد که با شرایط اعتبار ارتباطی پیدا نکند و بانک‌ها هیچ دلیلی نمی‌بینند وارد عرصه‌هایی شوند که ارتباطی به آن‌ها ندارد، بلکه آن‌ها صرفاً شرایط مندرج در اعتبار را ملاک و مبنای کار خود قرار می‌دهند.

ماده ۴ مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (یو.سی.پی ۶۰۰) به صراحت اعتبار اسنادی را از قرارداد پایه جدا کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «اعتبار بنا به ماهیت خود، معامله‌ای است جدا از قرارداد فروش و یا سایر قراردادهایی که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند. قراردادهای مبنای اعتبار به هیچ‌وجه ارتباطی به بانک نداشته، تعهدی برای آن‌ها ایجاد نمی‌کند، حتی اگر در اعتبار هرگونه اشاره‌ای به این قراردادها شده باشد». در ماده ۶-۱ مقررات بین‌المللی تضمین‌نامه‌ها در خصوص قاعده استقلال اعتبار اسنادی تضمینی آمده است: «وقتی که تضمین‌نامه‌ای صادر می‌گردد تعهدی غیرقابل برگشت، مستقل، اسنادی و الزام‌آور شناخته شده و ضرورتی به ذکر آن‌ها در تضمین‌نامه نمی‌باشد». در نتیجه، اعتبار اسنادی تضمینی صرفاً یک قرارداد شمرده نمی‌شود، بلکه یک رابطه حقوقی مستقل است که به موجب آن تعهد پرداخت گشاینده باید کاملاً جدا از معامله تجاری پایه در صورت نقض آن باشد (Cseko, 2009, p. 40).

نکته شایان یادآوری این است که اگرچه به دلیل اینکه دارنده قانونی برات نسبت به افراد قبل از خود و نیز صادرکننده برات دارای حقوقی است که مانع از مشابهت کامل برات با اعتبارات اسنادی می‌شود، ولی باید گفت با توجه به ویژگی استقلالی اعتبارات اسنادی از قرارداد مبنایی، آن را تا حدی شبیه برات نموده است. در این خصوص «در یکی از پرونده‌ها «لرد دینگ» درباره این مفهوم چنین اظهار نظر کرده است: بانکی که اعتبار اسنادی صادر می‌کند باید به تعهد خود عمل نماید و این یک امر اساسی است. بانک به هیچ‌وجه خود را داخل و مرتبط با دعوای خریدار و فروشنده نمی‌داند. خریدار ممکن است ادعا کند که کالای ارسالی با اجناس مورد قرارداد تفاوت دارد، بالاین حال، بانک باید پرداخت نماید. خریدار ممکن است مدعی شود که دعوای متقابلی یا خواسته‌ای قابل توجه علیه فروشنده دارد. در این حالت نیز بانک باید بدون توجه به این ادعا پرداخت نماید. اعتبار اسنادی از این جهت، مانند یک برات است که خریدار آن را به منظور پرداخت ثمن معامله به فروشنده می‌دهد و در واقع، در ردیف وجه نقد قرار دارد و هیچ‌گونه تهاوتر و یا دعوای متقابلی آن را از اعتبار نمی‌اندازد» (اشمیتوف، ۱۳۶۹، ص ۳۳۲-۳۳۱).

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا ارتکاب تقلب، دکترین استقلال اعتبار اسنادی از معاملات مرتبط را مخدوش و بی‌اعتبار می‌کند. تنها زمانی بانک‌ها از پرداخت بر اساس اعتبار خودداری می‌کنند که اسناد ارائه‌شده باوجود ظاهر درست خود متقلبانه باشد. به عبارت دیگر، ظاهر اسناد منطبق با شروط و تعلیقات اعتبار است، ولی ارائه اسناد با تقلب آمیخته شده است؛ به همین دلیل، قاعده تقلب در صورت اثبات، اصل استقلال تعهد ناشی از اعتبار اسنادی و قرارداد اصلی را تحت تأثیر قرار داده، اعمال آن را با تردید جدی روبه‌رو می‌سازد. در هر حال، اصول مربوط به اعتبارات اسنادی تجاری به‌طور مشابه در خصوص اعتبارات اسنادی تضمینی نیز با رعایت تغییرات ضروری اعمال می‌شوند. در نتیجه، اصل استقلال اعتبار اسنادی و اصل رعایت دقیق مفاد اسناد در خصوص اعتبارات اسنادی تضمینی نیز به کار می‌روند (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۵۹).

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که از اصل استقلال اعتبارات اسنادی به‌عنوان یک اصل مسلم و پذیرفته‌شده در عرصه تجارت بین‌الملل استفاده شده است و بر این اساس بانک به صورتی کاملاً مستقل از قرارداد اصلی میان خریدار و فروشنده، تنها به یک موضوع می‌اندیشد و با دستیابی به آن دغدغه دیگری ندارد و آن اینکه اسناد ارائه‌شده به بانک غیر از دستورالعمل خریدار به بانک نباشد و در این صورت به‌جز استثنای تقلب، فارغ از کیفیات، نسبت به پرداخت وجه اقدام نماید.

۲. اصل رعایت دقیق مفاد سند با شروط و تعلیقات اعتبارات اسنادی.

پرسش اصلی در این باره این است که آیا بانک‌ها باید به اسنادی که با مشخصات مندرج در اعتبارات اسنادی مطابق نیستند، ترتیب اثر بدهند. یکی از اصول اساسی حاکم بر حقوق اعتبارات اسنادی، اصل رعایت دقیق مفاد سند با شروط و تعلیقات اعتبارات اسنادی است. برابر ماده ۵ یو.سی.پی ۶۰۰، بانک‌ها بر اساس اسناد عمل می‌کنند، و نه کالا، خدمات یا عملکرد مرتبط با اسناد. بانک‌ها وظیفه انطباق ظاهر اسناد با شرایط مندرج در اعتبار اسنادی را برعهده دارند. بدیهی است مفهوم ظاهر اسناد صرفاً به روی سند اشاره ندارد و معمولاً عبارات درج‌شده در ظهر اسناد را نیز دربر می‌گیرد (خادمان، پیشین، ص ۴۸؛ شهبازی‌نیا و الهلوئی زارع، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). خریداری که برای بهره‌مندی از مزایای اعتبارات اسنادی از بانک درخواست اعتبار می‌کند و بانک بر اساس دستورالعمل وی گشایش اعتبار می‌نماید، در بسیاری از مواقع طرف معامله خود یعنی فروشنده یا ذی‌نفع را ندیده است و نمی‌شناسد یا حتی با وجود شناخت، از درستکاری او

در تجارت و تحویل صحیح کالا اطمینان ندارد؛ در این صورت وی (خریدار) با وجود اصل بنیادین استقلال اعتبار اسنادی و اینکه بانک براساس این اصل، فارغ از قرارداد اصلی میان خریدار و فروشنده، نسبت به انجام تعهد خود که همانا پرداخت می‌باشد، اقدام می‌نماید، با خطر از دست دادن سرمایه بدون دریافت مابه‌ازای آن روبه‌رو خواهد شد. در چنین شرایطی اصل بنیادینی مطرح می‌گردد که اصل «رعایت دقیق مفاد اسناد نامیده می‌شود». این اصل بر این حقیقت اشاره دارد که «اسناد ارائه‌شده از سوی ذی‌نفع به بانک باید دقیقاً منطبق بر شرایط و حدودی باشد که اعتبارات اسنادی تصریح شد، به طوری که کوچک‌ترین مغایرت برای بانک کافی است که اسناد را رد کند» (Arban, 2010, p. 5, Precision, 2005, P 83). برابر این اصل، بانک تنها اسنادی را می‌پذیرد که به طور دقیق با شرایط و مفاد مندرج در اعتبارات اسناد منطبق باشد؛ به عبارتی «بانک (دریافت‌کننده اسناد از فروشنده) محق است اسنادی که دقیقاً با شرایط و مفاد اعتبار مطابقت ندارد، رد کند» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۱۶). اگر بانک بر اساس اسناد غیرمنطبق وجهی را پرداخت نماید، خریدار تکلیفی برای پرداخت به بانک خود ندارد، زیرا در واقع پرداخت نادرست از سوی بانک، پرداخت شمرده نمی‌شود. گفتنی است، مقررات یو.سی.پی ۶۰۰ تا حدود زیادی این دکترین را تلطیف نموده، تاجایی که امروزه به جای سخن گفتن از انطباق کامل، از انطباق قابل قبول صحبت می‌شود (Mehta, 2007, p 3). بنابراین، بانک نباید به اسنادی که منطبق با تمامی مشخصات مندرج در اعتبارات اسنادی و دستورالعمل‌ها نیستند، ترتیب اثر بدهد. برابر ماده ۱۶ یو.سی.پی، بانک‌ها در صورتی که اسناد ارائه‌شده با شرایط اعتبار اسنادی مطابق نباشند، از قبول آن‌ها خودداری کرده، اسناد را تا دریافت قبول متقاضی یا دریافت دستورهای بعدی نزد خود نگاه می‌دارند. پیرامون این پرسش که آیا تطبیق اطلاعات یک سند با سایر اسناد لازم است یا خیر، بند ۱۴ ماده ۱۴ یو.سی.پی ۶۰۰ با هدف کاهش مغایرت‌ها و الزامی نبودن انطباق جزءبه‌جزء، مقرر می‌دارد که اطلاعات مندرج در سند تطبیق با متن اعتبار، خود سند و رویه‌های استاندارد بانکداری بین‌المللی نیازی به تطبیق بند به بند ندارد، ولی نباید تناقضی هم با اطلاعات مندرج در همان سند، سایر اسناد تصریح‌شده در اعتبار و یا اعتبار داشته باشد. در دعوی اکوتیل تراست کامپنی آو نیویورک علیه داوسن پار تنرز لیمیتد، خواندگان دانه‌های وانیل^۲ را از فروشنده‌ای در جاکارتا خریداری کرده، به بانک

2. Equitable Trust C. of New York v. Dawson Partners Ltd (1927).

خواهان دستور دادند تا اعتبار اسنادی تأییدشده‌ای را به نفع فروشنده افتتاح کند و در مقابل اسناد معینی شامل گواهی کیفیت صادرشده از سوی کارشناسان تأمین مالی را در دسترس قرار دهد. به علت ابهام در کلمه کد تلگراف شده، بانک ابلاغ‌کننده به فروشنده اطلاع داد که اعتبار بر طبق گواهی صادرشده از سوی کارشناس قابل وصول است. فروشنده که متقلب بود، به ارسال کالاهای نامرغوب اقدام کرد و کارشناس هم از کشف تقلب ناکام ماند. بر اساس رای صادره از طرف مجلس اعیان، بانک خواهان، حق دریافت مبلغ پرداختی از خریداران را نداشت، زیرا بانک برخلاف دستور خریداران، اعتبار را بر اساس گواهی یک کارشناس به جای حداقل دو کارشناس در اختیار فروشنده قرار داده بود (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۲۳-۶۲۲). پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر ابهامی برای بانک به وجود آید، چگونه باید برطرف شود؛ حد و مرز تکلیف بانک کجاست، یعنی تا چه حد ملزم است نسبت به رفع ابهام اقدام نماید. به خصوص آنکه ماهیت وظایف بانک‌ها پیرامون دریافت و پرداخت و تخصص آن‌ها در اعتبارات اسنادی و نظایر آن است، نه ماهیت کالا و کیفیت آن‌ها. در پاسخ به پرسش‌های یادشده باید گفت در خصوص ابهام نسبت به دستورالعمل اعتبارات اسنادی، بانک به آسانی قادر است درخواست ابهام‌زدایی کند، ولی «در صورتی که اسناد ارائه‌شده، مبهم باشند، اصولاً ارائه اسناد یک ارائه ناصحیح و غلط است، اما وقتی بانک اسناد ارائه‌شده را بررسی می‌کند نباید بر رعایت خشک و خرده‌نگرانه عبارات در تمامی موارد اصرار داشته باشد. اگر الفاظ دستورالعمل‌ها و اسناد ارائه‌شده که به نحو مقتضی خوانده و درک می‌شوند، معنای یکسانی داشته باشند یا اگر با هم مطابقت داشته، ولی عیناً همانند نباشند، بانک نباید اسناد را رد کند. در یک نظریه کمیسیون بانکداری اتاق بازرگانی بین‌المللی گفته شده است که «بانک‌ها نمی‌توانند مثل یک دستگاه خودکار عمل کنند، اما باید هر مورد را بررسی و از قضاوت خود استفاده کنند». اما حدی که به بانک اجازه تفسیر داده می‌شود بسیار مضیق است و اگر بانک بر رعایت دقیق مفاد اسناد اصرار نرزد، با خطر احتمالی مواجه خواهد شد» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۲۹).

بنابراین، اگر اسنادی که ارائه می‌شود با شرایط و مفاد مندرج در اعتبار بر حسب ظاهر انطباق داشته باشند، بانک موظف است اسناد ارائه‌شده را بپذیرد و تعهد ناشی از اعتبار را اجرا نماید. از طرفی «این اصل (اصل رعایت دقیق مفاد اسناد) بدون شک به منظور حمایت از متقاضی اعتبار طراحی شده است اولاً، اسنادی که در اعتبار اسنادی به‌ویژه در یک اعتبار اسنادی تجاری لازم است، معمولاً از طرف مراجع مختلفی صادر

می‌گردند ثانیاً، بررسی اسناد از سوی بانک نیز امکان عدم اجرا یا سوء اجرای معامله پایه یا پنهان نمودن تقلب در معامله پایه را بیشتر کاهش می‌دهد. به مدد این اصل متقاضی اعتبار اطمینان می‌یابد که مجبور به پرداخت یا بازپرداخت وجه به گشاینده (چنانچه بانک مبلغ اعتبار را پرداخته است) نخواهد بود مگر در مقابل اسنادی که او به‌عنوان اسنادی که تعهد پرداخت را لازم‌الاجرا می‌کنند، مشخص کرده است. از سویی این اصل از بانک درگیر در عملیات نیز حمایت می‌نماید، زیرا این اصل بانک را از داوری‌های سلیقه‌ای و قضاوت‌های شخصی در خصوص اختلافات و ناهمخوانی‌ها در اسناد ارائه شده رها می‌گرداند و مانع بانک می‌شود که وارد بررسی جزئیات معامله پایه شود یعنی به اموری بپردازد که در حوزه کسب و کار عادی بانک نیست» (بانگ و بوکلی، پیشین، ص ۳۴۴-۳۴۳).

در نتیجه، نه‌تنها فلسفه وضع اصل بنیادین رعایت دقیق مفاد اسناد با شرایط مندرج در اعتبار برای اعطای اطمینان خاطر به متقاضی اعتبار (خریدار) بوده است، بلکه تا حد قابل قبولی رافع دغدغه‌های احتمالی بانک برای وصول وجوه پرداختی خواهد بود. اما نکته‌ای دیگر در خصوص این اصل، مبنای این قاعده است. پرسش این است که مبنای ایجاد این قاعده چیست، چرا بانک مکلف است تنها اسنادی را که دقیقاً با مفاد و شرایط اعتبار مطابقت دارد بپذیرد. در پاسخ باید گفت مبنای این قاعده وجود نمایندگی است، زیرا بانک ابلاغ‌کننده به نمایندگی از بانک گشاینده اعتبار و بانک اخیر یعنی بانک گشاینده اعتبار نیز به نمایندگی از متقاضی اعتبار که همان خریدار است، عمل می‌کند و بدیهی است که هر کسی که به نمایندگی از دیگری کاری را انجام دهد، باید در حیطه اختیاراتی که کسب کرده عمل کند و در صورتی می‌تواند برای اقداماتی که به‌عمل آورده به اعطاکننده نمایندگی مراجعه نماید که از حدود اختیارات تجاوز نکرده باشد. در خصوص این اصل نیز وظیفه بانک به‌عنوان نماینده، عمل در حوزه اختیارات است که همانا اقدام برابر شروط و مفاد مندرجات اعتبارات است.

در خصوص اعتبارات اسنادی تضمینی، مطالبه اعتبار باید دقیقاً با شرایط مقرر در اعتبارنامه انطباق داشته باشد. اسناد موردنیاز برای استفاده ذی‌نفع از اعتبارنامه تضمینی، یکی براتی دیداری است که عهده صادرکننده اعتبار اسنادی تضمینی صادر می‌شود و دیگری، مدارک تخلف درخواست‌کننده گشایش اعتبار اسنادی تضمینی از اجرای تعهد پایه است که از طرف ذی‌نفع به بانک صادرکننده تسلیم می‌شود.

تعریف اعتبارات اسنادی تضمینی

اعتبارنامه اسنادی تضمینی یکی از اقسام اعتبارنامه‌های اسنادی است که با قسیم خود یعنی اعتبارنامه اسنادی تجاری یا معمولی تفاوت‌هایی و نیز مشابهت‌هایی دارد. اصولاً «بر اساس قانون فدرال {امریکا} و قوانین بعضی از ایالات، اتحادیه‌های بانکی ملی از صدور ضمانت‌نامه بانکی ممنوع هستند. بنابراین، بانک‌های امریکایی مزبور، مفهوم اعتبار اسنادی را به بانکداری داخلی تعمیم داده‌اند، اما راجع به اسنادی که باید تحویل شوند، مفهوم آن را تغییر داده‌اند. در رویه جدید، بانک‌های انگلیسی این نوع اعتبارنامه را نه فقط برای ذی‌نفع‌های امریکایی، بلکه برای واحدهای تجاری در استرالیا، لیبی، پرتغال، رومانی، سوئد و سوئیس نیز صادر کردند اما بانک‌های انگلیسی، مانند بانک‌های دیگر کشورهای اروپایی ترجیح می‌دهند ضمانت‌های عندالمطالبه یا اعتبارات اسنادی معمولی صادر کنند» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۵۸).

به این ترتیب، ملاحظه می‌شود که ورود اعتبارنامه اسنادی تضمینی به عرصه تجاری، با وجود کارکرد مشابه آن با ضمانت‌نامه بانکی، به دلیل ممنوعیت اتحادیه‌های بانکی ایالات متحده از صدور ضمانت‌نامه‌های اخیر بوده است، با این وصف، ضمانت‌نامه با اعتبارنامه تضمینی تفاوت‌هایی هم دارد؛ از جمله اینکه اعتبارنامه اسنادی تضمینی همان‌گونه که از نام آن (اعتبارنامه) پیداست، همچنان بر اساس اصل استقلال اعتبارنامه‌ها از قرارداد اصلی، مستقل از قرارداد اصلی می‌باشد، ولی ضمانت‌نامه نسبت به قرارداد اصلی، جنبه تبعی و فرعی دارد. ضمناً همچنان که اصل رعایت دقیق مفاد اسناد در خصوص اعتبار اسناد تجاری اعمال می‌شود، درباره اعتبار اسنادی تضمینی نیز ساری و جاری است، زیرا این اصل بر اعتبارات اسنادی در تمامی اقسام آن حاکمیت دارد.

با وصف یادشده در تعریف اعتبار اسنادی تضمینی، گفته شده «نوعی اعتبار اسنادی است که به موجب آن صادرکننده در مقابل ذی‌نفع متعهد می‌شود، مبلغی را که درخواست‌کننده گشایش اعتبار از دیگری به صورت پیش‌پرداخت دریافت داشته است بپردازد و یا در ازای هرگونه قصور او از اجرای تعهدش یا از بابت هر نوع دین که درخواست‌کننده گشایش اعتبار آن را برعهده گرفته است در مقابل ذی‌نفع جوابگو باشد» (فتحی‌پور، ۱۳۶۹، ص ۱۴۴). بنابراین، تعریف اعتبارنامه تضمینی به‌ظاهر شبیه اعتبارنامه تجاری است، زیرا هر دو نوع اعتبارنامه درگیر سه قرارداد متفاوت هستند. قرارداد اصلی میان دستوردهنده که همان متقاضی اعتبار می‌باشد با ذی‌نفع، قرارداد دوم فی‌مابین درخواست‌کننده اعتبار و بانک، و قرارداد سوم میان بانک صادرکننده اعتبار و ذی‌نفع

منعقد می‌شود؛ با این تفاوت که «اعتبار اسنادی معمولی یک سند پرداخت است که قاعدتاً ذی‌نفع را به ارائه اسناد حمل، همراه با سایر اسناد مشخص ملزم می‌نماید (درحالی‌که) اعتبارنامه تضمینی به منظور حمایت از ذی‌نفع در صورت کوتاهی طرف دیگر قرارداد مبنایی در نظر گرفته شده است» (اشمیتوف، ۱۳۷۸، ص ۶۵۹-۶۵۸).

پس اعتبار اسنادی تضمینی یکی از اسنادی است که می‌توان گفت جایگزین ضمانت‌نامه‌ها در معاملات بین‌المللی شده است و به لحاظ حقوقی مانند اعتبارات اسنادی تجاری و در همان استانداردها به کار می‌رود، ولی نوعاً پرداخت یا حسن انجام کار را تضمین می‌کند (حمیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳).

کاربرد اعتبارات اسنادی تضمینی

اگر در خصوص ماهیت اعتبارات اسنادی تضمینی دقت لازم صورت گیرد، ملاحظه خواهد شد که این اسناد به لحاظ شکلی مانند اعتبارات اسنادی تجاری بوده، از نظر کارکرد، یعنی تضمین انجام کار یا تعهد، به ضمانت‌نامه‌های بانکی نزدیک می‌باشد. زیرا اعتبارات اسنادی تجاری در بیع بین‌المللی کالا و در راستای اطمینان‌بخشی به ذی‌نفع برای وصول ثمن یا سهولت دریافت ثمن معامله طراحی شده، به کار می‌رود، اما اعتبارات اسنادی تضمینی در معاملات و قراردادهای متعدد و گوناگونی استفاده می‌شود و به‌عنوان تضمینی برای انجام تعهد در قراردادهای مختلف کارایی دارد. از این جهت، اعتبارنامه اسنادی تضمینی مشابه با ضمانت‌نامه حسن اجرای قرارداد عمل می‌کند که در پوشش اعتبارات اسنادی صادر می‌شود؛ درحالی‌که در اعتبارات اسنادی تجاری، پرداخت نشانگر انجام قرارداد از سوی فروشنده می‌باشد. این برخلاف اعتبار اسنادی تضمینی است؛ یعنی نه تنها پرداخت به معنی انجام قرارداد نیست، بلکه زمانی دستوردهنده نسبت به پرداخت به ذی‌نفع اعتبار ملزم می‌شود که قرارداد را نقض نماید و به همین دلیل اسناد موضوع مطالبه اعتبار نیز حکایت از قصور در اجرای تعهد از سوی دستوردهنده یا نقض قرارداد از طرف او دارد و به‌هیچ‌روی نشانگر انجام تعهد نخواهد بود. افزون‌براین، از دیگر کاربردهای اعتبارات اسنادی تضمینی، اطمینان از بازپرداخت وام، استهلاک پیش‌پرداخت و یا حسن انجام کار می‌باشد؛ ضمن اینکه این نوع از اعتبار وسیله‌ای برای مصون نگه داشتن ذی‌نفع از تحمل ضرر است (مجله حقوقی هاوارد، ۱۳۶۴، ص ۸۷).

اساساً اعتبارات اسنادی تضمینی در موضوعات زیر کاربرد دارند:

- در صنعت ساخت‌وساز برای حراست از منافع صاحب پروژه (کارفرما) در مقابل اجرای با تأخیر، سوءاجرا یا اجرا نشدن تعهد از سوی پیمانکار.
- در صنعت پولی و بانکی به منظور تقویت اعتبار اوراق بهادار منتشرشده از سوی یک شرکت یا برای بازاریابی فروش بلندمدت اوراق قرضه‌ای که یک شرکت عرضه می‌کند؛ چراکه شرکت از این طریق از شهرت و اعتبار یک بانک سرشناس و خوش‌نام نهایت استفاده را می‌برد.
- در بیع بین‌المللی کالا برای تأمین و تضمین خدمات پس از فروش یا تضمین عملکرد و کارایی ماشین‌آلات یا تجهیزات خریداری شده (بانگ و بوکلی، پیشین، ص ۳۱۴).

مراحل معامله اعتبارات اسنادی تضمینی

در خصوص مراحل معامله در اعتبار اسنادی تجاری در این مقاله سه مرحله بیان گردید و گفته شد اگر پای یک بانک ابلاغ‌کننده اعتبار به‌میان آید، می‌تواند به چهار مرحله نیز برسد. حال همین مراحل در خصوص اعتبار اسنادی تضمینی نیز صدق می‌کند؛ یعنی صرف نظر از ماهیت و کارکردهای این دو نوع اسناد، به لحاظ آنکه هر دو، اعتبار تلقی می‌شوند، از بسیاری جهات هم با یکدیگر مشابه هستند. به این ترتیب، در حوزه اعتبارات اسنادی تضمینی نیز مراحل مختلف معاملاتی به این شرح است:

مرحله اول، توافقی است میان درخواست‌کننده اعتبار و ذی‌نفع مبنی بر اینکه روابط قراردادی فی‌مابین بر اساس اعتبارات اسنادی تضمینی تنظیم شود. در مرحله دوم، درخواست‌کننده اعتبار از بانکی که معمولاً یک بانک معتبر و خوش‌نام است در کشور محل کار خود می‌خواهد تا نسبت به گشایش اعتبار برای ذی‌نفع بر اساس شروطی که تعیین شده است، اقدام نماید.

در مرحله سوم، بانک گشاینده اعتبار با توجه به شروط تعیین‌شده و توافقی‌هایی که با درخواست‌کننده اعتبار داشته است، با یک بانک واقع در کشور ذی‌نفع هماهنگی‌های لازم را انجام می‌دهد تا در صورت اعلام قصور و کوتاهی درخواست‌کننده اعتبار یا همان متعهد و انجام تعهداتش نسبت به پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، اقدام نماید. بانک اخیر همان بانک ابلاغ‌کننده است.

در آخرین مرحله از معامله اعتبارات اسنادی تضمینی، بانک ابلاغ‌کننده به اطلاع ذی‌نفع می‌رساند که در صورت اعلام قصور و یا کوتاهی درخواست‌کننده اعتبار، آمادگی پرداخت وجه اعتبار به وی (ذی‌نفع) وجود دارد.

نکته مهمی که در این خصوص نباید از نظر دور داشت این است که اعتبارنامه تضمینی که کارکردی شبیه ضمانت‌نامه دارد مانند یک تعهد مالی است که برگرفته از اسنادی است که بیان‌کننده کوتاهی درخواست‌کننده یا دستوردهنده اعتبار از انجام تعهدات موضوع قرارداد اصلی یا بازپرداخت پیش‌پرداخت می‌باشد.

اعتبارنامه تضمینی، تأمین‌کننده خسارت به ذی‌نفعی خواهد بود که به دلیل انجام ندادن تعهد از سوی متعهد، به وی وارد شده است و درحقیقت متعهدله از انجام تعهد از سوی متعهد (طرف قرارداد) و پرداخت بدهی به وسیله او ناامید است. بنابراین، نوع سندی که تسلیم می‌شود، باید نمایانگر کوتاهی درخواست‌کننده گشایش اعتبار از انجام تعهدات باشد. به این ترتیب، در مرحله پرداخت وجه «برای استفاده از وجه اعتبارنامه تضمینی غالباً مقرر می‌شود که ذی‌نفع باید براتی عهده صادرکننده اعتبار اسنادی مذکور همراه با مدارکی حاکی از اینکه درخواست‌کننده گشایش اعتبار اسنادی تضمینی در اجرای تعهد خود، اعم از بازپرداخت پیش‌پرداخت یا انجام موضوع قرارداد اصلی، به وضع مطلوب اقدام نکرده است، صادر نماید. علاوه بر این لازم است ذی‌نفع، اظهارنامه کتبی حاکی از اینکه درخواست‌کننده گشایش اعتبار از اجرای تعهد خود تخلف کرده است به صادرکننده اعتبار اسنادی تضمینی تسلیم نماید» (فتحی‌پور، پیشین، ص ۱۴۴).

تشابه و تفاوت اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی

۱. تشابه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی

پرسش مهم قابل طرح در این قسمت این است که تشابه اعتبارات اسنادی و تضمینی چیست. یکی از مشابهت‌های اعتبارنامه اسنادی تجاری و اعتبارنامه اسنادی تضمینی، یکسان بودن فرم و شکل آن‌هاست. اعتبارنامه اسنادی تضمینی از نظر ظاهری مشابه اعتبارنامه اسنادی تجاری است و در هر دو نوع اعتبارنامه، سه نوع قرارداد وجود دارد. در قرارداد اول، دستوردهنده با ذی‌نفع توافق می‌کند که پس از تحقق شرایط خاص، مبلغ معینی به ذی‌نفع پرداخت کند. برای مثال، در اعتبارنامه اسنادی تجاری، چنانچه ذی‌نفع اسنادی را که حاکی از ارسال و حمل کالای موضوع قرارداد برای دستوردهنده باشد، ارائه نماید، خریدار در مقابل فروشنده تعهدی مالی مبنی بر پرداخت بهای کالا پیدا می‌کند. در اعتبارنامه اسنادی تضمینی نیز اگر دستوردهنده از انجام تعهد تعیین‌شده در قرارداد یا پرداخت دین موضوع قرارداد کوتاهی کند، یک تعهد مالی دایر بر پرداخت خسارت یا

ایفای دین برعهده او قرار می‌گیرد. در قرارداد دوم، دستوردهنده در مقابل بانک صادرکننده متعهد می‌شود پس از قبول یا پرداخت برات یا هرگونه مطالبه مستند به اعتبارنامه از سوی بانک صادرکننده، وجه مربوط را به او بازپرداخت و مسترد کند. در قرارداد سوم که میان بانک صادرکننده و ذی‌نفع منعقد می‌شود، بانک تعهد می‌کند برات صادره ذی‌نفع را به استناد اعتبارنامه به شرط اینکه با مفاد آن نیز انطباق داشته باشد، قبول یا پرداخت کند (دریس کول، پیشین، ص ۱۲۵-۱۲۴). افزون بر قالب و چارچوب حقوقی یکسان اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، هر دو نوع اعتبار شامل سه طرف، یعنی متقاضی اعتبار، صادرکننده اعتبار و ذی‌نفع اعتبار بوده، و متضمن سه معامله، یعنی معامله پایه، قرارداد صدور اعتبارنامه و خود قرارداد اعتبار اسنادی می‌باشند (یانگ و بوکلی، پیشین، ص ۳۱۳). شباهت دیگری که میان اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی وجود دارد، در ماهیت اسنادی آن‌هاست؛ از این حیث که تعهد پرداخت صرفاً با مطالبه کتبی و ارائه سایر اسناد مقرر در اعتبارات اسنادی امکان‌پذیر است (Kelly-Louw, 2008, p 81). به‌علاوه، قرارداد اعتبارنامه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، هر دو از قرارداد اصلی یا پایه، جدا و مستقل هستند. به عبارت دیگر، موضوعات میان دستوردهنده و ذی‌نفع اعتبار در خصوص قرارداد پایه در تعهد بانک در قبال ذی‌نفع تأثیری ندارد. به این ترتیب، استقلال میان تعهدات برگرفته از اعتبار و تعهدات ناشی از قرارداد پایه، ذی‌نفع را تحت حمایت قرار می‌دهد و باعث می‌شود که متقاضی اعتبار نتواند در تعهدات بانک صادرکننده اعتبار به‌نحوی دخالت کند. اصل استقلال یا وصف تجربیدی اعتبارات اسنادی و تضمینی به ترتیب در ماده ۲ یو.سی.پی و ماده ۰۶-۱ مقررات بین‌المللی تضمین‌نامه‌ها به رسمیت شناخته شده است.

۲. تفاوت اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی

پرسش دیگری که در اینجا باید به آن پاسخ داد، این است که آیا باوجود شباهت‌ها میان اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، تفاوت‌هایی نیز میان این دو وجود دارد یا خیر. پاسخ این است که از لحاظ کاربرد تفاوت‌هایی میان آن‌ها به شرح زیر موجود است: هدف این دو نوع اعتبار با یکدیگر متفاوت است؛ برعکس اعتبار اسنادی تجاری که سازوکار مطمئن پرداخت ثمن به ذی‌نفع است، اعتبار اسنادی تضمینی ابزاری برای فرض تخلف در انجام تعهد است تا چنانچه متقاضی صدور اعتبارنامه، تعهد ناشی از معامله پایه را به‌طور کامل اجرا نکند یا اساساً به اجرا نگذارد، وثیقه و تضمین معتبر برای جبران خسارات در اختیار

ذی‌نفع است. در اعتبارنامه اسنادی به محض ارائه سند (بارنامه و صورت‌حساب تجاری) از سوی ذی‌نفع، مبلغ اعتبار پرداخت می‌گردد. برعکس در اعتبارنامه اسنادی تضمینی، پرداخت مبلغ اعتبار با ارائه سندی به‌عمل می‌آید که تأکید می‌کند متقاضی صدور اعتبارنامه، تعهد ناشی از معامله پایه را انجام نداده یا به‌طور کامل اجرا نکرده است.

اعتبارنامه اسنادی تجاری با الزامی دانستن اسناد معرف مالکیت کالا یا ارسال کالای منطبق با قرارداد پایه، ضریب اطمینان بالایی از امنیت را فراهم می‌کند. برعکس در اعتبارنامه اسنادی تضمینی، شرط مطالبه وجه اغلب فقط یک اظهار کتبی از سوی ذی‌نفع و گاه صدور اسناد از طرف اشخاص ثالث مستقل و بی‌طرف از قبیل گواهی یک مهندس یا رای دادگاه یا رای داور است. به همین دلیل، در مقایسه با اعتبارات اسنادی تجاری احتمال تقلب آشکار و دغل‌کاری در استفاده از اعتبارات اسنادی تضمینی به‌مراتب بیشتر از اعتبارات اسنادی تجاری است (یانگ و بوکلی، پیشین، ص ۳۱۶-۳۱۵).

اعتبارنامه اسنادی تجاری از نظر نقدشوندگی، از ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شونده و خودکفا برخوردار است و به استثنای تقلب در معامله و اسناد حمل جعلی کالای موضوع اعتبار، در وثیقه بانک قرار دارد و مابازای وجوهی است که صادرکننده اعتبارنامه اسنادی در قبال آن‌ها وجهی را پرداخت کرده است. با ورشکستگی متقاضی گشایش اعتبار اسنادی، بانک صادرکننده اعتبار اسنادی می‌تواند برای استرداد وجوه پرداختی به ذی‌نفع، طلب خود را از وثایق در اختیار تصفیه نماید. در خصوص اعتبارنامه اسنادی تضمینی، وثیقه‌ای در اختیار بانک صادرکننده اعتبار نیست؛ از این‌رو، این نوع از اعتبارنامه‌ها از ماهیت خودبه‌خود تصفیه‌شدنی برخوردار نیستند، زیرا کالایی در این خصوص وجود ندارد تا از قبل آن بتوان استیفای حق نمود. در این شرایط بانک صادرکننده اعتبارنامه تضمینی می‌باید پس از پرداخت وجه اعتبار به ذی‌نفع، برای وصول وجوه پرداختی، به متقاضی گشایش اعتبارنامه تضمینی رجوع کند (فتحی‌پور، پیشین، ص ۱۴۶؛ دریس‌کول، پیشین، ص ۱۴۰).

تعهد بانک تحت اعتبار اسنادی تجاری، هم در شکل و هم در قصد و منظور ابتدایی است؛ درحالی که در اعتبار اسنادی تضمینی در شکل ابتدایی و در قصد ثانوی است. به همین دلیل، وجه اعتبار اسنادی تضمینی نمی‌تواند به‌گونه‌ای صحیح از سوی ذی‌نفع مطالبه شود؛ مگر اینکه قصوری از جانب متعهد در اجرای قرارداد مبنایی صورت گرفته باشد (مافی و فلاح، ۱۳۹۲، ص ۱۴۸). افزون‌براین، در اعتبار اسنادی تجاری تهیه مدارک و اسناد لازم از سوی اشخاص ثالث و مستقل صادر و تنظیم می‌شود؛ در صورتی که در

اعتبار اسنادی تضمینی اسناد موردنیاز اغلب در اختیار خود ذی‌نفع است که همواره می‌تواند بر اساس شرایط مقرر در اعتبار اسنادی تضمینی این اسناد را تهیه کند. تفاوت دیگر این دو سند این است که بانک‌ها تعهدات ناشی از اعتبار اسنادی تجاری را تعهد بالقوه محسوب می‌کنند، به همین دلیل در ترازنامه خود آن‌ها را در رده بدهی‌ها نمی‌آورند؛ یعنی اعتبارنامه اسنادی تجاری از قلمرو شمول مقررات ناظر بر محدودیت‌های پرداخت وام مستثنا است؛ درحالی که اعتبارنامه اسنادی تضمینی نوعی وام تلقی می‌شود و محدودیت‌های پرداخت وام در خصوص آن اجرا می‌گردد (همان، ص ۱۴۹ و ۱۵۲).

نتیجه

در این مقاله کوشش شده است تا با مقایسه اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو تحلیل گردد. همچنین نشان داده شده که کاربرد اعتبارات اسنادی چنان گسترده و دارای مقررات مخصوص به خود است که نمی‌توان صرفاً در چارچوب احکام و مقررات حاکم بر معاملات و قراردادهای بحث و بررسی شود. با این نگاه، ضمن بررسی و تعریف اعتبارات اسنادی و بیان اقسام آن‌ها و اصول حاکم بر اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، این دو نوع اعتبار به‌عنوان یک نهاد حقوقی ویژه و خاص مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه این بررسی، به‌طور قاطع می‌توان گفت که در حقوق تجارت بین‌الملل هیچ سندی و یا ابزاری به‌اندازه اعتبارات اسنادی دارای اهمیت بنیادین نیست و این یک حقیقت انکارناپذیر است، زیرا جوهره تجارت بین‌الملل با موضوع اعتبارات اسنادی درآمیخته است.

اساساً اعتبارات اسنادی باوجود اصل استقلال اعتبارات اسنادی از قرارداد اصلی، چگونگی وجود خود را مرهون وجود قرارداد پایه و اساسی می‌داند؛ به‌طوری که در صورت نبود قرارداد پایه و اصلی، صحبت از اعتبارات اسنادی سخنی بیهوده خواهد بود. درحالی که از اعتبارنامه اسنادی تجاری به‌عنوان سازوکار تأمین منابع مالی و پرداخت ثمن و انتقال وجه و اسناد میان خریدار و فروشنده در بیع بین‌المللی استفاده می‌شود، عملکرد اعتبارنامه اسنادی تضمینی با توجه به شباهت آن به ضمانت‌نامه بانکی، تضمین پرداخت خسارات وارده به ذی‌نفع در صورت کوتاهی دستوردهنده از انجام تعهدات یا پرداخت می‌باشد. به عبارت دیگر، کاربرد اصلی اعتبارنامه اسنادی تجاری، تأمین منابع مالی در معاملات بین‌المللی است و تعهد مالی بانک برگرفته از اسنادی است که حاکی از رعایت و اجرای تعهدات قرارداد اصلی از طرف ذی‌نفع است؛ درحالی که اعتبارنامه اسنادی تضمینی با شباهت به ضمانت‌نامه‌های بانکی برای حمایت از ذی‌نفع در صورت قصور

متعهد اصلی در قرارداد پایه طراحی شده است و تعهد بانک بر پایه اسنادی است که نشان‌دهنده کوتاهی دستوردهنده از اجرای تعهدات قراردادی خود است. از این رو، این نوع اعتبارات به جای مکانیسم پرداخت بیشتر برای تضمین انجام تعهدات ناشی از قرارداد اصلی میان دستوردهنده و ذی‌نفع به‌کار می‌رود.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. اشمیتوف، کلایو ام (۱۳۷۸)، *حقوق تجارت بین‌الملل*، جلد ۲، چاپ اول، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، انتشارات سمت.
۲. اشمیتوف، کلایو ام (۱۳۶۹)، *دکترین تطبیق دقیق اصل استقلال اعتبارات اسنادی و آثار حیل و تقلب در اینگونه اسناد*، ترجمه مخبر الصفا، علی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۵۲ - ۱۵۳، ص ۳۲۷ - ۳۴۴.
۳. اخلاقی، بهروز (۱۳۷۰)، *بحثی پیرامون اعتبارات اسنادی*، مجله قضائی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره اول، ص ۶۵ - ۹۹.
۴. اعتمادی، مهدی و تازیکی نژاد، علی (۱۳۸۶)، *بررسی روابط حقوقی طرفهای اعتبار اسنادی الکترونیکی*، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۲، ص ۳۳ - ۵۵.
۵. بانک سپه (۱۳۸۹)، *تفسیری بر UCP 600*، چاپ اول، چاپ و نشر بانک سپه.
۶. بوالحسنی، اکبر (۱۳۸۰)، *سفارشات خارجی (توصیف و تحلیل)*، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنه‌کار.
۷. حمیدی، فاطمه (۱۳۹۰)، *راهنمای کاربران اعتبار اسنادی بر اساس UCP 600*، چاپ دوم، انتشارات جنگل.
۸. خادمان، محمود (۱۳۸۸)، *مقررات جدید اعتبارات اسنادی UCP 600*، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال ۱۴، شماره ۴۸، ص ۲۷ - ۶۰.
۹. خیمنز، گیلرمو (۱۳۷۹)، *شیوه‌های عملی صادرات - واردات*، چاپ اول، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی.
۱۰. دریس کول، ریچارد جی (۱۳۶۳)، *نقش اعتبار نامه‌های تضمینی در تجارت بین‌المللی*، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی، شماره ۱، ص ۱۱۷ - ۱۸۰.
۱۱. رفیعی، محمدتقی (۱۳۸۷)، *تحلیل حقوقی گشایش اعتبار اسنادی در حقوق ایران*، اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره ۱۲، ص ۵۱ - ۹۶.
۱۲. زمانی فراهانی، مجتبی (۱۳۸۵)، *اعتبارات اسنادی و مسائل بانکی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ترمه.
۱۳. شهبازی‌نیا، مرتضی و الهلوی زارع، فاطمه (۱۳۹۰)، *مفهوم انطباق دقیق اسناد در اعتبار*

- اسنادی با تأکید بر سند سیاهه تجاری، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۳، ص ۱۲۴ - ۱۴۷.
۱۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. غمامی، مجید (۱۳۷۸)، بحثی در قواعد حاکم بر ضمانت نامه‌های بانکی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۴، ص ۱۲۴ - ۱۴۷.
۱۶. فتحی‌پور، علی (۱۳۶۹)، ضمانت در معاملات بین‌المللی، مجله حقوقی، شماره ۱۳، ص ۱۲۹ - ۱۸۲.
۱۷. کاشانی، محمود (۱۳۷۷)، ضمانت‌نامه بانکی، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه بانکداری ایران.
۱۸. لنگریج، رینهارد (۱۳۹۰)، اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ دوم، ترجمه سعید حسنی، تهران، نشر میزان.
۱۹. مافی، همایون و فلاح، مهدی (۱۳۹۲)، خصیصه‌های اسنادی و ضمانتی اعتبارات اسنادی تضمینی در حقوق تجارت بین‌الملل، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان، ص ۱۴۳ - ۱۶۵.
۲۰. مجله حقوقی هاروارد (۱۳۶۴)، تقلب در معاملات موضوع اعتبارات اسناد و ضمانتنامه بین‌المللی: دستور منع پرداخت آنها در جریان انقلاب ایران، ترجمه محسن محبی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲، ص ۵۳ - ۹۱.
۲۱. یانگ، گائو ایکس و بوکلی، روس پی (۱۳۸۵)، ماهیت حقوقی ویژه و منحصر به فرد اعتبارات اسنادی: منشاء اعتبارات اسنادی و منابع آن، ترجمه ماشاءالله بناء نیاسری، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ص ۳۰۵ - ۳۴۵.

ب) انگلیسی

22. Appanna, Tenielle(2008), **The Two Important Doctrine Underlying Documentary Letters of Credit and The Fraud Exemption**, 1 Pretoria Student Law Review, Pretoria University Law Press, Edited by Neil Coetzer and et al, pp.31-41.
23. Arban, Erika(2008), **The Doctrine of Strict Compliance in the Italian Legal**, Arizona Journal of International and Comparative Law, Vol.33, No1, pp. 77- 104.
24. Cseko, Katalin(2009), **Legal Characteristics of the Standby Letter of Credit**, EU Working Paper, pp 39- 46.
25. Kelly-Louw, Michelle(2008), **Selective Legal Aspects of Bank Demand Guarantees**, University of South Africa.
26. Metha, Ravi(2007), **Impact of New UCP on the Doctrine of Strict Compliance, Softening or end?** Newsletter No.101, pp. 1-16 .
27. Scheler, Michael J.(2008), **A Guide to International Trade and Letters of Credit**, New York.
28. Zhang, Yanan(2011), **Can Soft Clauses in Letters of Credit Transactions Be Considered Letter of Credit Fraud in China**, Nordic Journal of Commercial Law, No.1, pp.1-20.
29. Zhang, Yanan(2011), **Approaches to Resolving the International Documentary Letters of Credit Fraud Issue**, University of Eastern Finland.